بسم الله الرحمن الرحیم

۲۴/۶/۱۳۹۸

درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری

مبحث لاضرر

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و به نستعین انه خیر ناصر و معین

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

بحث اصول رسیدیم به قاعدة لا ضرر رسیدیم.

در مورد قاعدة لاضرر رساله‌های مختلفی نوشته شده، مرحوم شیخ انصاری رسالة مستقلی دارد و در کلمات بسیاری از بزرگان دیگر هم یا مستقلاً یا در ضمن بحث فقه یا اصولشان به تفصیل این بحث لاضرر را پرداختند.

در لاضرر یک قطعه‌ای از بحث در کلمات آقایان معمولاً کمرنگ‌تر هست، بحث اینکه متن‌های مختلف لاضرر را بحث کنند و متن صحیحش را بخواهند ارائه بدهند این در کلمات آقایان پررنگ نیست و بیش از همه در این مورد آقای سیستانی بحث کردند، قاعدة لاضرر ایشان هست. این قسمت از بحث را محور کلمات آقای سیستانی قرار می‌دهیم. البته بحث‌های آقای سیستانی یک تقریرات خیلی قدیمی بوده، ظاهراً احیاناً بعضی از مطالبش را ایشان برگشته ولی ما به مطالبی که در تقریرات بحث آقای سیستانی هست می‌پردازیم. صرفنظر از اینکه نظرات نهایی آقای سیستانی بر طبق اینها باشد یا نباشد، نکاتی که در این کتاب هست را، خیلی تتبع جالب توجهی دارد و نکتة جالب این است این بحث‌ها قبل از بحث‌های کامپیوتر است. قبل از کامپیوتر این کتاب چاپش ۲، ۳ سال بعد از چیزهای کامپیوتر است ولی اصل بحث‌هایش خیلی قدیمی است و این است که مقدار تتبع خیلی جالب توجه است.

به تناسب بحث ما در ضمن این بحث یک سری قواعد مربوط به رجال و حدیث و درایه را هم بحث می‌کنیم. بعضی از این بحث‌ها را در بحث‌های دیگر هم مفصل به آن پرداختم. بحث‌هایی که در جای دیگر به تفصیل پرداختم سعی می‌کنم چکیدة آن بحث‌ها و بیشتر نتیجه‌گیری آن بحث‌ها طرح کنم، تفصیلش را واگذار کنم به جایی که بحث شده، ارجاع بدهم. ولی احیاناً بعضی بحث‌ها را به آن تفصیل بحث نکرده باشیم همینجا در اصول بحث می‌کنیم. عملاً ما علی القاعده یک سری بحث‌های مفصل رجالی و درایه و حدیث‌شناسی خواهیم داشت.

در مورد قاعدة لاضرر آقای سیستانی در سه فصل بحث را دنبال کردند. فصل اوّل موارد ذکر این حدیث لاضرر و لاضرار و تحقیق متن حدیث هست. فصل دوم مفاد این جملة شریف و فصل سوم قسمت‌هایی که به عنوان تنبیهات از آن یاد می‌شود.

فصل اول را محورش، کلمات آقای سیستانی قرار می‌دهیم، فصل دوم و سوم را محورهایش فرق خواهد کرد.

در فصل اول بحث ایشان در دو بحث را مطرح کردند. آن این است که عبارت لاضرر و لا ضرار در روایات در کنار چه قضایایی نقل شده. خود این نقل‌ها که البته بحث خواهیم کرد که آیا این نقل‌ها الزاماً به معنای این هست که لاضرر و لاضرار در کنار این نقل‌ها در کلام معصوم علیه السلام بوده یا نبوده، بعضی مواردش هم مورد بحث است که آیا لا ضرر و لا ضرار اینکه می‌گوییم در آن قضیه بوده ولو به اعتبار اینکه این لاضرر و لاضرار در کتاب حدیثی در کنار او هست. حالا اینکه در اصل صدور روایت هم در کنار او بوده یا نبوده آن هم یکی از محورهای بحثی است که باید در آینده بحث کرد. روایاتی که در کنارش حدیث لاضرر و لا ضرار وارد شده به گفتة آقای سیستانی در هشت مورد هست که سه موردش در کتب امامیه است، یک موردش در کتاب با عنوان مصری اسماعیلی است، چهار موردش هم در کتب عامه هست. نرسیدم کامل تتبع کنم ولی تتبعی که قدیم کرده بودم یک مورد نهمی هم در کتاب ما هست که در کتاب آقای سیستانی به آن اشاره نشده عبارت مقنعه است. مقنع صدوق است. صفحة ۵۳۷. و رویت انه جاء رجل الی عمر بن خطاب و معه رجل و قال إنّ بقرة هذا.

مورد نهم که می‌گوییم موردی نیست که به یک معنا.

شاگرد: با آنهای دیگر که وحدت قضیه ندارد.

استاد: وحدت که قطعاً ندارد. افراز است.

و رویت انه جاء رجل الی عمر بن خطاب و معه رجل و قال إنّ بقرة هذا شقت ؟؟؟ بطن جبنی فقال عمر قضی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سیما قتل البهائم عنه جبارش. آن چیزهایی که حیوانات می‌کشند اینها را جباش. الذی لا دیة له و لا قصص. دیه ندارد و قصاص نمی‌شود. و قال امیرالمؤمنین قضی النبی صلی الله علیه و آله و سلم لا ضرر و لا ضرار[[1]](#footnote-1) ان کان صاحب البقرة ربتها علی طریق الجمل فله الضامن فنظر فاذا تلک البقر جاء بصاحبها من السوات و رتبة علی طریق الجمل فاخذ عمر برای علی علیه السلام و اغرم صاحب البقر ثمن الجمل.

این روایت در اصل کلام پیغمبر صلوات الله علیه لا ضرر و لا ضرار چسبیده به این قضیه نیست. ولی چون امیرالمؤمنین صلوات الله علیه تطبیق داده این عملاً همان خاصیت این را دارد. چون مهم نیست در اصل صدورش از پیامبر صلوات الله علیه در یک موردی باشد یا نباشد. همینکه توسط معصوم علیه السلام در مورد تطبیق شده کافی است. البته بعضی تطبیق‌های قدیمی این لاضرر و لا ضرار دارد. آنها را من نیاوردم به دلیل اینکه از معصوم نیست. مثلاً یک داستان مناظره‌ای بین محمد بن حسین شیبانی و شافعی هست. مناظره‌ای قدیمی هست. شافعی آنجا در لاضرر و لا ضرار تمسک کرده. یک بحثی مناظره‌ای که با همدیگر دارند آن تطبیق کرده، آن هم فی الجمله مفید هست که آن زمان‌ها لاضرر و لاضرار را چطور می‌فهمیدند. ولی فرق دارد بین اینکه معصوم علیه السلام آن را تطبیق کرده باشد یا فقها، ولو فقهای عصر ائمة معصومین علیهم السلام آن را تطبیق کرده باشند. این هم یک مورد دیگری هست که باید موارد دیگر ضمیمه بشود.

در مورد لاضرر اولین روایتی که اینجا هست قضیة سمرة بن جندب هست. قضیة سمرة بن جندب لا ضرر و لا ضرار وارد شده و بحثی در آن نیست. ولیکن آقای سیستانی یک نکته‌ای را متذکر می‌شوند، آن این است که گفتند این روایت مستفیض هست بلکه فوق استفاضه نسبت به آن ادعا شده. این درست، این روایت متکرر هست. خیلی هم زیاد نقل شده. تعبیر مستفیض درست هست یا نیست در مورد آن ان‌شاءالله صحبت می‌کنم. آن نکته‌ای که هست این است که تمام نقل‌های قضیة سمرة در کنارش لاضرر و لا ضرار نیامده و اینکه این دو تا را باید از همدیگر تفکیک کرد. ایشان می‌فرمایند لاضرر و لاضرار در کتب ما به نقل‌های مختلف وارد شده. نقلی که با لاضرر. در کتب ما به نقل‌های مختلف وارد شده، یکی‌اش همان نقلی که همراه لاضرر و لاضرار هست ایشان می‌گویند فقط نقل زراره است که همراهش لاضرر و لاضرار وارد شده. این نقل ضراره را دو نفر از ضراره نقل کرده. یکی ابن بکیر هست، عبدالله بن بکیر هست که روایت عبدالله بن بکیر در کافی و به نقل از کافی در تهذیب وارد شده و همچنین در فقیه وارد شده. ابتدا سیری از بحث‌های آقای سیستانی را دنبال می‌کنم، بعد یک مقداری وارد تفصیل بیشتر بحث می‌شوم.

روایت زراره را یکی عبدالله بن بکیر نقل کرده. نقل عبدالله بن بکیر هم به دو شکل نقل شده، یکی در کافی نقل شده و همان هم در تهذیب هم وارد شده. در تهذیب البته تصریح نکرده که از کافی اخذ شده، ولی آقای سیستانی می‌خواهند بفرمایند که قرائنی هست که این از کافی گرفته شده.

صورت دومش نقلی هست که در فقیه وارد شده و نقل فقیه آن هم یک مقداری مفصل‌تر از نقل کافی هست. به هر حال ایشان می‌فرماید هم نقل کافی و هم نقل فقیه هر دوشان معتبر هست. از زراره یکی ابن بکیر نقل کرده یکی عبدالله بن بستان. ولی نقل عبدالله بن بستان مرسل هست. البته بعضی روایت دیگری هم در سند هست بحث دارد. ولی اشکال اصلی‌اش اشکال ارسال است. بقیة اشکالاتی که به سند هست آقای سیستانی دفع می‌کنند.

اما نقل قضیة سمرة مجرد از لا ضرر و لا ضرار در روایت ما از طریق ابی عبید حزاء نقل شده که در فقیه وارد شده که راوی از ابی عبید حزاء حسن صیقل هست. حسن صیقل، حسن بن زیاد صیقل هست که آقای سیستانی بحث مفصلی در مورد وثاقت حسن بن زیاد صیقل می‌کنند و می‌خواهند بفرمایند این حسن بن زیاد صیقل معتبر نیست. علاوه بر این، این نقل در فقیه که وارد شده صدر سند حسن صیقل هست. ما باید طریق شیخ صدوق به حسن صیقل را بررسی کنیم، ایشان می‌خواهند بفرمایند طریق شیخ صدوق به حسن صیقل آن هم اعتبار ندارد و بحث می‌خواهند بکنند که آیا می‌توانیم طریق شیخ صدوق را به حسن صیقل از راهی تصحیح کنیم، بحث مفصلی هست که ایشان دنبال کردند. بعد ایشان می‌فرمایند در کتب عامه هیچ نقلی نسبت به این روایت نداریم که لاضرر و لاضرار را همراه قضیة سمره داشته باشیم. ایشان می‌آورند و آن لاضرر و لاضرار عامه نیست، فقط در نقل خاصه است. بنابراین ایشان می‌فرمایند درست است که این روایت نقل‌های متعدد دارد ولی این نقل‌های متعدد همه‌شان همراه لاضرر و لاضرار نیست. این چکیدة روند بحث است که آقای سیستانی این را اشاره فرمودند.

اینجا چند مرحله باید بحث را دنبال کنیم و یک بحث این است که آیا اصلاً اینکه در بعضی از نقل‌ها لاضرر و لا ضرار همراه قضیة سمره هست و در بعضی از نقل‌ها نیست خود این اشکالی ایجاد می‌کند یا اشکالی ایجاد نمی‌کند؟ اینجا یک بحث مطرح بوده که در حاشیة قاعدة لاضرر هم به آن بحث اشاره شده، آن این است که یک بحث حدیثی وجود دارد در مورد قاعدة حدیثی در مورد دوران امر بین زیاده و نقیصه، اگر در یک نقلی در یک روایتی دو تا نقل وجود داشته باشد. طبق یک نقلش یک زیاده‌ای وجود داشته باشد، طبق یک نقلی این زیاده وجود نداشته باشد. آیا ما می‌توانیم حکم بکنیم که این زیاده موجود هست یا نمی‌توانیم حکم کنیم؟ این نکته‌ای هست که باید در اینجور موارد چه کنیم.

اینجا در بحث‌های آینده آقای سیستانی به تناسب بعضی از نکاتی که در حدیث لاضرر هست به این بحث مفصل‌تر پرداختند. در بعضی از نقل‌هایش لاضرر و لاضرار فی الاسلام دارد. در بعضی نقل‌هایش قید فی الاسلام ندارد. آنجا به تناسب این قید فی الاسلام اینکه آیا ما می‌توانیم بگوییم که در روایت لاضرر و لاضرار این فی الاسلام بوده یا نبوده، این بحث را آقای سیستانی آنجا مطرح کردند.

شبیه آن بحث را همینجا در حاشیه مطرح شده. ظاهراً حاشیه برای مقرر است نه برای خود آقای سیستانی که آن بحث را در اینجا خواستند تطبیق بدهند. در حاشیه اشاره کردند که آن بحث، ولی آن بحثی که آنجا هست در بحث مانحن فیه نمی‌آید. بحثی که در دوران امر بین زیاده و نقیصه در جایی بحث هست که این زیاده بر فرض وجودش در مفاد جمله تأثیر داشته باشد. ولی اگر زیاده یک جملة مستقلی باشد. جملة مستقلی که تأثیری در بحث قبلی نداشته باشد این داخل در آن بحث نیست. و در ما نحن فیه اینکه لاضرر و لا ضرار یک جملة مستقلی هست، فوقش این است که به نحو تعلیل ذکر شده و تعلیل تأثیرگذار در مفاد جملة قبل نیست. حداکثر مفاد جملة قبل را عمومیت می‌بخشد. در سعه و ضیقش مؤثر است. آن جمله‌ای که در اصل مفاد جملة قبل اثر ندارد ولی در سعه و ضیقش اثر دارد، این داخل در آن بحث دوران امر بین زیاده و نقیصه نیست.

در بحث آینده که آقای سیستانی دارند این بحث دوران امر بین زیاده و نقیصه را با یک بحث دیگری ذکر کردند. این دو بحث را کأنّ یک بحث تصور کردند. یک بحثی از قدیم در کتب حدیثی و فقهی مطرح بوده تحت عنوان زیادة الثقة. هل زیادة الثقة مقبولة ام لا. مرحوم نایینی ایشان اصرار دارد لاضرر و لاضرار قید فی الاسلام هم جزئش هست. ایشان می‌گوید چون یک قاعدة مترده‌ای هست که در دوران امر بین زیاده و نقیصه ما حکم می‌کنیم که این زیاده وجود داشته و سقط رخ داده. و آن این قاعده این هست که ما حکم می‌کنیم عبارتی که مشتمل بر این زیاده نیست در آن عبارت تحریف رخ داده و عبارت مشتمل بر زیاده صحیح است. آقای سیستانی می‌فرمایند با توجه به آن بحث زیادة الثقه‌ای که عامه دارند معلوم می‌شود که این قاعده، قاعدة مسلمی نیست. کأنّ بحث دوران امر بین زیاده و نقیصه را با بحث زیادة الثقة این دو تا بحث را یک بحث دانستند. ما این را در ارث مفصل بحث کردم که بحث زیادة الثقه چیست و بحث دوران امر بین زیاده و نقیصه چیست.

در دو مرحله اینجا این باید توضیح بدهیم. یکی اینکه در لاضرر و لاضرار قید فی الاسلام در آن وجود دارد یا قید فی الاسلام وجود ندارد این داخل در کدام یکی از این دو بحث‌ها. بحث‌ها با هم فرق دارند. اینکه در نقل‌های مختلف لاضرر و لاضرار در بعضی نقل‌هایش فی الاسلام وجود دارد در بعضی نقل‌هایش فی الاسلام وجود ندارد، داخل در کدام یکی از این دو بحث هست، این را هم صحبت می‌کنیم.

عمده‌اش بحث اینکه در بعضی نقل‌های روایت‌های سمرة بن جندب کل لاضرر و لاضرار وجود ندارد و در بعضی نقل‌هایش وجود دارد این از مصادیق کدام بحث است؟ بحث دوران امر بین زیاده و نقیصه است یا بحث زیادة الثقه است.

این بحث را در آدرس بحثش را عرض کنم که قبلاً بحث کردیم. کتاب الارث در سال ۹۵ بحث کردم، جلسة ۴/۷/۹۵، بحثش را شروع کردیم. آخرین جلسه‌ای که این بحث را داریم ۲۵/۷/۹۵ است. ۴/۷/۹۵، ۵/۷/۹۵، ۶/۷/۹۵ و ۲۵/۷/۹۵ هم این بحث را که بعد از تعطیل محرم بوده یک بار دیگر بحث را دنبال کردیم.

به آن بحث‌ها مراجعه کنید، مفصل آدرس دارد. چکیدة مختارش را جلسة بعد صحبت می‌کنم. غیر از اینجا، جاهای دیگر به بحث زیادة الثقة پرداختم یا نه یادم نیست. ولی چون یک سری نکاتی به ذهنم در این بحث زیادة الثقه می‌آید همینجوری سریع نگاه کردم. ولی آیا به صورت کوتاه جای دیگری بحث کردم یا نکردم یادم نمی‌آید. چون بعضی نکات به ذهنم بود دیدم در این مباحث نیست. مختصر اضافاتی هم در این بحث خواهیم داشت.

چند تا مبحث را ما باید به آن بپردازیم به اجمال خواهیم پرداخت یک روایتی اینجا داریم روایت ابن بستان هست از زراره که سندش مرسل هست. علی بن محمد بن بندار عن احمد بن ابی عبدالله. یک سری بحث‌های موردی داریم، بعضی از این سندها بحث کنیم. تک تک این سندها را دوباره وارد می‌شویم. یک سری بحث‌های کلی‌تر را می‌خواهم طرح کنم.

در ضمن این روایت‌ها، روایت عبدالله بن بستان، احمد بن ابی عبدالله عن ابیه عن بعض اصحابنا عن عبدالله بن بستان عن زراره عن ابی جعفر علیه السلام. اشکال ارسال به روایت شده.

یک بحث کلی هست آیا روایت‌های مرسل را می‌توانیم به روشی از ارسال خارج کنیم یا نه؟ به این عنوان.

الآن در برنامه درایة النور یک کاری که کردند این است که روایت این است احمد بن ابی عبدالله عن ابیه عن بعض اصحابنا عن عبدالله بن بستان، آمدند واسطة بین این ابیه، این ابیه مراد محمد بن خالد برقی است و عبدالله بن بستان. واسطة بین ابیه و عبدالله بن بستان از برنامة کامپیوتری می‌شود به دست آورد. نور یک قسمتی دارد به نام ارتباط که این پدر احمد بن ابی عبدالله که محمد بن ابی خالد برقی باشد با عبدالله بن بستان رابطه‌اش چجوری است؟ مستقیم است؟ واسطه می‌خورد؟ واسطه‌هایش چه کسانی هستند؟ کل نحوة ارتباط دو تا راوی را در برنامة درایة النور آورده.

اگر دیدیم تمام کسانی که بین محمد بن خالد برقی و عبدالله بن بستان بودند اینها همه‌شان ثقه بودند. اوّلاً یک بحث موردی بکنیم همه‌شان ثقه هستند یا ثقه نیستند. حالا اگر فرض کردیم همه‌شان ثقه بودند یا اکثریت قریب به اتفاقشان ثقه بودند آیا ما می‌توانیم از این روش برای توثیق این راوی مجهول استفاده کنیم یا نمی‌توانیم؟ این را در لابلای بحث‌های فقه و اصول در هر دوش اشاره کردم و این را هم. بحث معلّی یکی بود، بحث حدیث رفع مفصل بعضی از روش‌های حدیث رفع را خواستیم با این طریق حل کنیم. بحث‌های کبروی هست، نحوة خارج کردن حدیث مرسل از ارسال. آیا می‌توانیم حدیث‌های مرسل را از ارسال خارج کنیم که این بحث‌های مهمی دارد خیلی هم بحث‌ها به دلیل اینکه بحث جدیدی است. سابق به دلیل اینکه این ارتباط راویان را به این راحتی نمی‌شد به دست آورد، اشخاص داخل در این روش‌ها نمی‌شدند ولی اخیراً این بحث، مقالاتی هم در بعضی از مجلات در مورد همین دیدم دنبال کردند. مقالات را همینجور تیتروار دیدم، بحث‌های آقایان دیگر را ندیدم، ولی یک سری نکاتی که به ذهنم می‌رسد را دنبال خواهم کردم.

در ضمن این بحث‌ها یک بحث اصحاب اجماع کلام آقای سیستانی به آن اشاره شده، اشاره به معنای اصحاب اجماع، بحث وثاقت مشایخ جعفر بن بشیر اشاره شده. بحث اسناد کامل الزیارات در این بحث اشاره شده. بعضی از اینها به مقدار، بعضی‌هایش را شاید مفصل‌تر بحث کنیم. در مورد اسناد کامل الزیارات هم یک مقداری آخرین تصوری که من دارم را می‌خواهم در این بحث‌ها دنبال کنم. نکات دیگری که در این بحث‌ها وجود دارد دارم دنبال می‌کنم.

فعلاً محورمان بیشتر بحث‌های کلام آقای سیستانی است. البته آقای سیستانی به تناسب به کلام شیخ الشریعة اصفهانی، مرحوم نایینی و مرحوم امام، مرحوم آقای صدر کلمات دیگران پرداخته ولی چون همة آقایان دیگر در کلام آقای سیستانی هست ما محور را قرار می‌دهیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

[پایان]

1. نسخه بدل اضرار [↑](#footnote-ref-1)